



شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آزادی،خیابان آوند، کوچه آرشیبا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹
نمابر: ۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: ۲۳-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhdaily.ir

تهران: آذان ظهر ۱۳:۰۴ آذان مغرب ۱۹:۴۴ آذان صبح فردا ۵:۱۴ طلوع آفتاب ۶:۴۰

روزنامه شرق

پنجشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۲ ۲۸ شوال ۱۴۳۴ ۵ سپتامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۲۴ ۱۶صفحه

طهران‌نگاری

روضة‌های محل



▲ **احمد مسجدجامعی**

● در کوچه ما شخص متدین، دلسوز و دارای سوابق حوزوی به نام سیدمحسن قائمی مداح بود که در شرکت راه‌آهن هم کار می‌کرد و در روضه‌های مشهور دهه اول محرم مسجدجامع پس از سخنرانی آقایان وحید خراسانی و فلسفی واعظ می‌خواند. او بعد از انقلاب عملهای سیاه بر سر می‌گذاشت. یکی از فرزندان او در عملیاتی مسلحانه در منطقه سرچشمه در درگیری با عوامل ساواک کشته شد. او دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر (شرف امروزی) بود. قائمی صاحب یک ماشین فولکس‌واگن بود و گاهی صبح‌های بسیار زود و حتی قبل از آذان به منزل ما می‌آمد و همراه با پدرم و مرحوم حاج‌حسن آقای سعید با هم به گوه می‌رفتند. او چراغ‌قوه بزرگی داشت که همراه خود می‌آورد و آن را زیر عبا نگه می‌داشت تا در تاریکی از آن استفاده کند.

لباس مداح‌ها در آن زمان چند شکل بود بعضی که در هیات‌های محلی و صنفی می‌خواندند با همین سر و وضع معمول بودند و تفاوتی با سایر افراد نداشتند و معمولا شاغل در همان صنف یا محل بودند. بعضی دیگر رسماً به عنوان مداح خوانده می‌شدند اینها دو گونه لباس می‌پوشیدند گروهی شلوار رسمی و لباده کوتاه می‌پوشیدند و کلاهی سیاه هم بر سر می‌گذاشتند و عبایی بر دوش داشتند. شغل دیگر اینها در نسبت با همین کار تعریف می‌شد و مثلاً حمل‌دار بودند و برای حج و عمره کاروان‌های مکه- مدینه را مدیریت می‌کردند یا برای سفر به عتبات تو‌رهای زیارتی تشکیل می‌دادند و گروه سومی بودند که به همین شکل لباس می‌پوشیدند ولی کلاه آنها از شکل دیگری بود؛ شبیه کلاه‌های خدام حرم سیدالشهداء علیه‌السلام که اگر از سادات بودند این کلاه به رنگ سبز بود.

مداح‌های بنام اهل شعر و ادب هم بودند معمولاً از اول روضه نمی‌خواندند بلکه قصیده و غزلی متناسب با مجلس و موضوع عزاداری قرائت می‌کردند و گاهی صحبت کوتاهی هم داشتند و در پایان ذکر مصیبت می‌کردند و حتی در ذکر مصیبت، از اشعار شعری بزرگ در موضوع بهره می‌بردند و خود اهل شعر گفتن هم بودند. به یاد دارم که متن این شعر حافظ برای حضرت علی‌اصغر خوانده می‌شد:

بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت
وندر آن شور و ناخوش ناله‌های زار داشت
که شوری به مجلس عزاداری می‌داد.
در روضه‌خوانی روز شهادت امام‌صادق علیه‌السلام مرحوم حاج محمد علامه در آغاز شعری خواند که بیت نخستین آن هم به خاطرمان مانده است:

چو پر گرفت بر اوج خرد کبوتر علم
به بام عالم امکان گشود شهر علم
در کوچه مسجدجامع چند روضه‌خوانی هم بود؛ یکی در منزل پدر بزرگ من، که حتی در زمان ممنوعیت‌های پهلوی اول هم تعطیل نشد و به‌صورت نیمه‌مخفی ادامه یافت. ماجراهای پر‌خورد‌های بزرگان خاندان برای برگزاری این عزاداری در آن سال‌ها شنیدنی است به هر حال این مراسم از مهم‌ترین روضه‌خوانی‌های علما در تهران در دهه آخر صفر بود. دیگری روضه دهه اول محرم مرحوم حاج میرزا عبدالله چهل‌ستونی بود که همین جایگاه را داشت و بالاخره روضه دیگری که بعداً؛ظهرها در منزل ما برگزار می‌شد و تقریباً همه بزرگان و روحانیون تهران در این مجالس حضور می‌یافتند.

در بین روضه‌های محل، مجلس دیگری بود که مرحوم حاجیه زهراخانم و ظاهرآ در ایام فاطمیه برگزار می‌کرد و در آن ایام که همه مجالس محل، آنگوشت می‌دادند، ایشان غذاهای ویژه‌ای داشتند و با برنج از میهمانان اهل‌بیت پذیرایی به عمل می‌آوردند. از دیگر کارهای این ایام اهالی محل مشارکت در برنامه‌های محرم و عزاداری‌های بازار مسجدجامع بود. مهم‌ترین و مشهورترین و نزدیک‌ترین هیات، در مسجد میرزا موسی قرار داشت. هیات بزازها که نام مسجد با آن پیوند خورده بود و پیش‌تر به این نام خوانده می‌شد. میرزا موسی برادر میرزا مسیح بود که چهلستون مسجدجامع را بنا کرد و او نیز منزل مسکونی خود را تبدیل به مسجد کرد. این مسجد در همان بازار مسجدجامع و قدری پایین‌تر از آنجاست. هیات بزازها از اول محرم تا ۱۲ روز مراسم عزاداری داشتند و صنف، عملاً به حالت تعطیل درمی‌آمد. آنها نخستین هیات صنفی هستند که در دوره قاجار در کشور شکل گرفت و تاکنون سه دوره حکومتی را پشت‌سر گذاشته است. این هیات‌ها به نوعی تشکل‌های تاثیرگذار صنفی هم بودند و با گسترش مناسبات سرمایه‌داری و شکل‌گیری اصناف و تخصصی‌شدن کارها وارد عرصه شدند. بخش‌های مربوط به صدا، نور و روشنایی در اختیار بچه‌های کوچه مسجدجامع بود.

ادامه دارد

یونسی؛ وزیر پیشین اطلاعات در گفت‌وگو با «شرق»:

نهادهای امنیتی در تعیین نتیجه «داری» دخالتی ندارند

پوریا سوری



عکس: آیدین رهبر، شرق

در تحریریه نشست‌ه بودیم و هرکس مشغول کار روزانه‌اش بود که در بار شد و خیلی آرام و بی‌سرصدا، علی یونسی؛ وزیر سابق اطلاعات پیشاپیش و همراهش از پشت سر وارد شدند. سر میزهای مختلف رفتند و خوش‌وبشی و سوالی و البته پاسخ‌خی. حضور وزیر سابق اطلاعات در روزنامه «شرق»، برای همکاران ما هم یادآور خاطره‌های گذشته بود و هم بهتی سرزده، گشت‌وگذار جناب «یونسی» خوشرو در تحریریه که تمام شد، بنا شد چند دقیقه‌ای برای صرف میوه و شیرینی در دفتر مدیرمسئول بمانند که صرف همین حضور و حسنی که در روزنامه‌نگاران حاضر در تحریریه ایجاد شده بود چند ضربای به در اتاق مدیرمسئول زدم و وارد شدم و تقاضای گفت‌وگویی کوتاه با وزیر سابق اطلاعات را مطرح کردم. تقاضای هماهنگ‌نشده من را ایشان با شلرم کوتاه‌بودن پذیرفت، روی پشتی‌های طرح گلیم پهن‌شده در بالکن اتاق نشستیم و گفت‌وگویی کردیم که البته چندان هم کوتاه از آب درنیامد، از مسایل صنفی خود ما روزنامه‌چی‌ها، مثل وضعیت روزنامه‌نگاران زندانی‌شده گرفته تا داری پانتخت حرف زدیم و وزیر سابق هم تا آنجا که حوصله‌اش جواب داد با روی باز همراهی‌مان کرد.

دو‌تازن می‌کنم به مناسبت دیدار فردای استقلال و پرسپولیس، قسمت کوتاهی از گفت‌وگوی «شرق» را با وزیر سابق اطلاعات که رنگ و بوی ورزشی - امنیتی به خود گرفته بخوانید تا مابقی سوالات و پاسخ‌ها در روزهای آینده به‌طور کامل منتشر شود.

... امروز که شما تشریف آوردید، ما در صفحه

آخر مشغول جمع‌آوری نظرات هنرمندان درباره داری استقلال و پرسپولیس بودیم، شما استقلالی هستید یا پرسپولیسی؟

ما هر دو تا هستیم، سرخی!

▲ از بین این هردو تا علاقه دارید کدام تیم برنده شود؟

هر کدام که ببرد درست برده...

▲ حالا که جواب مستقیم به طرفداربودنتان نمی‌دهید، بگذارید درباره یکی از شبیه‌هایی که همیشه وجود داشته حرف بزنیم. هر وقت چند داری مساوی می‌شود، خصوصاً زمان‌هایی که مساوی سیاسی در کشور وجود دارد این شبیه به گوش می‌رسد که نهادهای مربوطه به بازیکنان و مربیان و مدیران تیم‌ها تذکر داده‌اند که این بازی باید مساوی شود، صحت این مساله را تایید می‌کنید؟

این حرف درست نیست! هیچ وقت این مساله نبوده است.

▲ خب ما الان در مورد قبل از انقلاب می‌دانیم که در برخی موارد این توافق صورت گرفته، هیچ‌وقت در مدت تصدی شما پیش آمده که این مساله مطرح شود و پیشنهادی داده شود که مسابقه مساوی شود یا به نفع یک تیم تمام شود؟

نه! واقعاً این مساله به این شکل نبوده است. زمان تصدی ما بارها پیش آمده بود که می‌گفتند بازی سنگینی پیش‌روست و مثلاً صدهزار نفر حضور دارند و اگر عصبانی بشوند چه می‌شود و چه نمی‌شود. خب

برداشت آخر

یونسی؛ وزیر پیشین اطلاعات در گفت‌وگو با «شرق»:

نهادهای امنیتی در تعیین نتیجه «داری» دخالتی ندارند

پوریا سوری



عکس: آیدین رهبر، شرق

وزارت اطلاعات وظیفه دارد که همه چیز را رصد کند و با هماهنگی نیروی انتظامی این بازی برگزار شود. پیش آمده بود که خیلی از ارگان‌های دیگر موافق برگزاری بازی نبودند و می‌گفتند این بازی نباید برگزار شود اما ما همیشه طرفدار این بودیم که بازی باید برگزار شود و امنیتش را هم باید تامین کرد. همیشه گفتم‌ام که امنیت ما به خاطر شعار یک هوادار آسیب نمی‌بیند، جوان‌ها باید شاد باشند، شعار بدهند و احساساتشان را بروز دهند، لازمه نشاط اجتماعی حضور این دست بازی‌هاست. سیستم اطلاعاتی رشید و بالغ هرگز از تجمع جوان‌ها احساس خطر نمی‌کند. ما باید به دنیا نشان دهیم که امنیت ما آنقدر قوی هست که می‌توانیم هزاران جوان پرنشاط را دور هم جمع کنیم و بگذاریم شکست و پیروزی را تجربه کنند، شعار هم بدهند و اگر یک جایی جوانی شعار بدی هم داد یا شیشه‌ای را شکست این به معنی ضدیت با حکومت و حاکمیت نیست، این مدل تحرکات اجتماعی در همه کشورها وجود دارد و لازمه یک کشور جوان هم همین مسایل است.

▲ تیم مورد علاقه‌تان را که نمی‌گویید، بازیکن مورد علاقه‌تان چه کسی است؟ (وزیر سابق می‌خندد و اطرافیان چه کسی است؟ (وزیر سابق جواب بدهید معلوم می‌شود طرفدار کدام تیم هستید، برای همین جناب یونسی می‌رود سراغ...)
من یک نکته‌ای را مطرح کنم؛ فضای ورزش ما یک فضای کمتر اخلاقی است. همین‌طور که در فضای سیاسی متأسفانه اخلاق گم شده است در فضای مسابقات ورزشی هم اخلاق خیلی نمودار نیست و این مشکلی است که من به سرپرست وزارت ورزش هم گفتم‌ام که احتیاج به فرهنگ‌سازی داریم. چرا اینکه در هم را بگوئیم و مربیان ورزشی اینکه در بد هم را بگویند و علیه هم حرف بزنند، من می‌گویم انتقاد بکنند اما با ادبیات اخلاقی. ممکن است یک تیم شکست بخورد ولی نباید با ادبیات نامناسب با آنها برخورد کرد یا متهم شوند که عمداً به دلایل دیگری شکست خورده‌اند، یک تیم‌م‌لی باید با غرور باشد، با کرامت باشد و ...

▲ و بازیکن مورد علاقه‌تان؟ (جمع حاضر در مکان مصاحبه دوباره شلوغی می‌کنند و هرکس نامی را می‌برد و آقای یونسی هم از آن میان دو نام را برمی‌گزیند)
ناصر حجازی! حجازی سمبل ماست. این روزها هم که زمان بزرگداشت مرحوم حجازی است جا دارد که از ایشان یاد کنیم و به روحش درود بفرستیم که سبیلی فراموش نشدنی است. در مورد علی دایی هم که مطرح شد ایشان یک افتخار ملی و جهانی و آقای گل است. از گذشته‌ها هم که غلامرضا تختی برای ما افتخاری ملی و محور گذشت و فداکاری است، تختی را بارها تحت فشار قرار دادند که علیه امام‌خمينی(ره) حرفی بزند و او چیزی نگفت و بالاخره جانش را از دست داد...

▲ و سوال آخر... (فردا کدام تیم می‌برد)؟

مگر می‌خواهم رئیس‌جمهور بشوم که اینکه سوال می‌پرسی. چند سوالت خودش یک مصاحبه مفصل شد!

خواب ابدی شاعر ایرلندی در زادگاهش

مهر: شیموس هینی، نویسنده و شاعر نام‌آشنای برنده جایزه نوبل در منطقه بلاگی - محلی که در آن به‌دنیا آمده بود- به خواب ابدی رفت. خبرگزاری بی‌بی‌سی اعلام کرد: این شاعر ۷۴ساله که بسیاری او را به‌عنوان بهترین شاعر ایرلندی از زمان بیثین به‌بعد می‌شناختند، روز جمعه در بیمارستانی در شهر دوبلین در گذشت و دیروز به خاک سپرده شد. برای وداع با این شاعر، مراسمی در کلیسای سیکرد هارت در داتی‌بروک برگزار شد. از افراد مشهوری که در مراسم حضور داشتند می‌توان به مایکل دی هیگینز، رئیس‌جمهوری ایرلند اشاره کرد.



▲ **علی جهانشاهی**

▲ alij.shahi@gmail.com

کارتون خواب



کافه

نظر

سپانلو می‌داند برنده این داری کیست!

شرق: غش‌غش صدای طرفدارها، هلیله بعد از گل و «وهوو» کردن بعد از گل و قورت دادن آب دهان با عبور هر توپ لعنتی از کنار تیرهای دروازه خودی. جیغ کشیدن و دست زدن و فوت کردن توی بوق‌های قرمز و آبی. این را بگذارید کنار آنهایی که از شب قبل، می‌افتند توی جاده و بعد از یک شب بیدارخوابی، دور میدان آزادی قافلی می‌زنند تا عصر سر ساعت سه، چهارتومان پول بلیت ورزشگاه را بدهند و یک ساعت بعد روی صندلی‌ها، به سمت توپ وسط چمن نعره بکشند یا متفکر بنشینند و فکر کنند به آبی سال‌های قبل، به قرمز آن دورتر‌ها، به نوستالژی‌های عکس آدامس، کارت بازی و پرچم آویزان توی اتاق‌ها و پوسترهایی که پدر آنها را می‌کند و دوباره نصب می‌شدند آنجا که قلب برای تیمی می‌تپد! امروز دوباره روز شاخ‌بشاخ شدن است، روز پولس‌هایی که کشیک می‌ایستند در امتداد مسیر ورزشگاه تا امام‌حسین(ع)، روز مینی‌بوس‌هایی که دور هر میدان فریاد می‌کشند «ورزشگاه! ورزشگاه!» و بعد نوبت کل‌کل می‌شود. «شش تایی‌ها، و «چهار تایی» گفتن‌ها، سرور گفتن‌ها، غرق شدن توی فرغ‌های پلاستیکی آب معدنی، از شدت گرما، گرما اما وسط زمین است. آنجا که پای‌های بزرگ و ران‌های فولادی، اسم‌های برنج‌حال و چهره‌های خارجی از فوتبال حرف می‌زنند و درست هر بار شبیه به همیشه، پر از استرس، حساس به نتیجه و متعصب! استقلال و پرسپولیس هر جای جدول که باشند، رودرروشنشان، همین حس داری، تصویرساز تهران زنده است. آنهایی هم که توی خانه نشست‌اند، تخمه‌خوران دامه‌دهنده همان کل‌کلی هستند که روی صندلی‌های ورزشگاه فریاد می‌کشد. بهانه کافه این هفته هم همین کری‌خواندن‌های قبل از بازی است؛ منتها این‌بار، طرفدارهای دواتنه از تیمشان، روانیگر آن هستند.

هادی مرزبان ▲ کارگردان تئاتر

من یک پرسپولیسی‌ام البته تیم‌م‌لی را بیشتر دوست دارم. مطمئنم در بازی فردا پرسپولیس برنده میدان است. بالاخره پرسپولیس، پرسپولیس است و سالیان سال خودش را نشان داده و تثبیت کرده و شش ستاره زرین بر دوش خودش دارد. این تیم نشان داده که اصولاً برنده است و لایق برد. من متأسفانه تاگی‌ها‌ها‌صلاً به استادیوم نرفتم‌ام منتها در گذشته خیلی دور مثلاً ۲۵ سال قبل برای تماشای یک بازی که حتی نمی‌دانم بین چه تیم‌هایی برگزار شده بود به استادیوم رفتم. در سال‌های جوانی هم همراه با هم‌کلاسی‌های دانشگاه‌ام گاهی برای دورهم‌بودن و خوش‌گذراندن به استادیوم صدهزار نفری می‌رفتم و بعضی از بازی‌ها را در استادیوم می‌دیدیم.

آیدین آغداشلو▲ نقاش

هزارو ۵۰۰ سال پیش در قسطنطنیه - پایتخت امپراتوری بیزانس - مسابقات ارابه‌رانی هیجان‌انگیزی برگزار می‌شد که دو تیم رقیب اصلی با رنگ‌های «قرمز» و «آبی» مشخص می‌شدند و نیمی از مردم شهر طرفدار آبی‌ها و نیمی طرفدار قرمز‌ها بودند و مسابقه که تمام می‌شد به جان هم می‌افتادند و شهر را به آشوب می‌کشیدند، که وقت‌هایی به تا چند روز طول می‌کشید! اما من که به سطل‌های زباله و اتوبوس‌های شهرم علاقه دارم، دوروبر «آبی‌ها» و «قرمز‌ها» نمی‌لکم و جواب مناسب این سوال که برنده کیست را می‌توانید از محمدعلی سپانلو شاعر- که خوره فوتبال و تیم‌های رنگارنگ است- بگیرید و واسلام!!

پگاه آهنگرانی▲ بازیگر

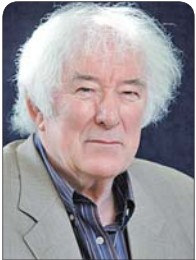
من استقلال‌ام به‌نظم استقلال برنده فرداست. برای اینکه اصولاً، نو، سه فصل است که اوضاع بهتری نسبت به پرسپولیس دارد. از من توقع رجزخوانی و کل‌کل نداشته باشید چون بلد نیستم منتها در کمال متانت می‌گویم که استقلال برنده بازی فرداست.

یکتا ناصر▲ بازیگر

خب، مثل هر طرفدار دیگری دوست دارم تیمم پیروز شود؛ امیدوارم پرسپولیس ببرد تا همه خوشحال شوند! اما واقعیت این است که مدت‌هاست دیگر طرفدار واقعی تیم پرسپولیس نیستم به‌خاطر افرادی که درباره این تیم تصمیم می‌گیرند. به نظر من این افراد، خیلی آدم‌های فوتبال نیستند و تصمیم‌گیری‌هایشان درباره چنین تیم پرطرفداری روی طرفداران پرسپولیس هم تاثیر گذاشته البته که اعتراف دیگر هم می‌کنم و آن این است که علاقه من به پرسپولیس موروثی است، یعنی در خانواده ما همه این تیم را دوست دارند؛ این جنس علاقه باعث شده که خیلی درگیر حواشی تیم پرسپولیس نباشم.

برزو ارجمند▲ بازیگر

همه دنیا می‌دانند من استقلال‌ام. هیچ‌وقت پیش نیامده که برای بازی استقلال و پرسپولیس به استادیوم بروم و دوست هم ندارم تجربه‌اش کنم چون استادیوم خیلی شلوغ است. در عوض همیشه در روز بازی پرسپولیس و استقلال جمع می‌شویم در خانه. اصولاً فقط با دو، سه تا از دوستانم کری‌خوانی دارم. اهل پیش‌بینی هم نیستم اما مسلماً دوست دارم استقلال برنده میدان باشد.



خواب ابدی شاعر ایرلندی در زادگاهش

مهر: شیموس هینی، نویسنده و شاعر نام‌آشنای برنده جایزه نوبل در منطقه بلاگی - محلی که در آن به‌دنیا آمده بود- به خواب ابدی رفت. خبرگزاری بی‌بی‌سی اعلام کرد: این شاعر ۷۴ساله که بسیاری او را به‌عنوان بهترین شاعر ایرلندی از زمان بیثین به‌بعد می‌شناختند، روز جمعه در بیمارستانی در شهر دوبلین در گذشت و دیروز به خاک سپرده شد. برای وداع با این شاعر، مراسمی در کلیسای سیکرد هارت در داتی‌بروک برگزار شد. از افراد مشهوری که در مراسم حضور داشتند می‌توان به مایکل دی هیگینز، رئیس‌جمهوری ایرلند اشاره کرد.

سه جهت اصلی



▲ **پوریا عالمی**

● هرچی خبرها را بالا و پایین کردیم، خبری نبود. نستیم به چپ و راست و جلو نگاه کردیم، آنچه را که در لحظه دیدیم، گزارش کردیم. اینطوری؛

گردش به چپ

بغل‌دستی ما الان توی روزنامه، بر آب است اما فامیلش برآبادی است. می‌گویم بر آب است، غلو نکردیم. الان نشسته می‌گوید توی عرفان یک جایی هست که آدم به یک جایی می‌رسد.

می‌گویم: خب؟

می‌گویند: من الان به همان جا رسیدم. دارم به خدم عشق می‌ورزم. همین است دیگر. بگذارید ببرسم چندسالش است.

من: چندسالته؟

سعید: ۳۲ ساله.

من: پس بر آبی نه برآبادی. (غش‌غش‌غش. شوخی سطحی با تمسک به بازی‌های کلامی.) دیدید. وقتی بنیان اقتصاد سست باشد و روی آب باشد، آدم‌ها که نتوانند سر وقت زن بگیرند، به عرفان رو می‌آورند و به خودشان عشق می‌ورزند و برآبادی می‌شوند.

گردش به راست

برخلاف آن بغل‌دستی که الان دارد روی خودش کار می‌کند این بغل‌دستی ما پوریا (Made in China) است و روی خودش کار نمی‌کند و در

همین‌لحظه دارد روی نمی‌دانم چی کار می‌کند، تا ملبش را درست کند. این پوریا نسخه اصلی نیست. اورژینال پوریا، خودمانیم. این پوریا، «سوری» است. نه! اهل سوره نیست. سوری است. همین‌طوری صوری، سوری است. یعنی صوری‌ترین سوری است که دیده شده. خلاصه، الان هدفون کرده توی گوش. دارد همه‌چی ارومه گوش می‌کند. توی این وضعیت خاورمیانه، توی این وضعیت اقتصادی مملکت، توی ایسن وضعیت سوری‌ها، ایسن سوری ما دارد همه‌چی ارومه گوش می‌کند. کاری هم با عرفان ندارد و در وضعیت خاصی بهسر نمی‌برد. ما روش شرط‌بندی کردیم. چرا؟ چون قصد دارد عروسی بگیرد. ما سر چی شرط‌بندی کردیم؟ سر اینکه چقدر دوام می‌آورد. والا. طرف وضعش توپ بود، زش را هم قبلاً گرفته بود، زیر فشار زندگی زابید الان فشار نیامده همه گامان دوقلو زابیده، ببین فشار بیاید چه می‌شود.

روبه‌رو

یکدفعه پیمان هوشمندزاده آمد تو. اولش فکر کردم پرسش است که زود بزرگ شده. گفتم بابا چطوره؟ گفت چی میگي؟ گفتم میگم

بابایم‌انت چطوره؟ می‌گوید من خودم پیمانم.

راست می‌گوید پیمان است. خود خودش است. ریشش را زده. امروز نتیجه گرفتیم برخی آدم‌ها ریش می‌گذارند که توش قایم شوند و کودک درونشان را پنهان کنند. من خودم پشت سیلم قایم می‌شوم، ولی همه‌جام پیدا‌ست. این‌ها که ریش می‌گذارند خوب است، چون قشنگ می‌توانند پنهان شوند.

رویداد

یک نمایشگاه نقاشی ضد جنگ در گالری شیرین

● **شرق:** از روز جمعه، نمایشگاه نقاشی «ساغر مسعودی» با موضوع نقاشی ضد جنگ در گالری شیرین آغاز به کار خواهد کرد. این نمایشگاه، با شعار اما وارثان زمین از پدرانمان نیستیم، نگه‌دارنده زمین برای فرزندانمان!» از فردا در گالری شیرین برپا می‌شود. به گفته ساغر مسعودی، موضوع آثار غالباً ضد جنگ و بیانی زندگی‌گونه دارند و در نقاشی آنها از رنگ‌های شاد استفاده شده است. این نقاشن قرار است بخشی از درآمد حاصل از نمایشگاه خود را صرف امور خیریه و کودکان کار و خیابانی کند.